

<p>فصل : سوم (اقتصاد، رشد و پیشرفت)</p> <p>درس: یازدهم</p> <p>نام طراح: محمود یعقوبی (سرگروه اقتصاد شهرستان زیرکوه)</p>	<p>به نام خدا</p> <p>معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش</p> <p>دفتر آموزش متوسطه نظری</p> <p>دبیرخانه راهبردی کشوری اقتصاد</p> <p>تولید شده در استان خراسان جنوبی</p>	<p>محتوای نوشتاری</p> <p>کتاب: اقتصاد</p> <p>سال تحصیلی:</p> <p>۱۳۹۹-۱۴۰۰</p>
--	---	---

عنوان درس : رشد و پیشرفت اقتصادی

اهداف یادگیری

- بررسی واژه رشد اقتصادی - بررسی چگونگی اندازه گیری رشد اقتصادی - آشنایی با تعریف تولید ناخالص داخلی - آشنایی با چگونگی محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن - آشنایی با شاخص دهک - آشنایی با شاخص توسعه انسانی

انتظارات پس از مطالعه

- نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) را محاسبه کنیم. - وضعیت توزیع درآمد افراد یک جامعه را بر اساس سهم دهک ها محاسبه کنیم. - درباره شاخص توسعه انسانی توضیح دهیم.

کلمات کلیدی

- رشد اقتصادی - تولید ناخالص داخلی - تولید اسمی و واقعی - دهک - شاخص توسعه انسانی - الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی

« طرح مسئله »

- ۱- در اقتصاد معمولاً چه نوع کشورهایی را پیشرفته تر می دانند؟
در اقتصاد معمولاً کشورهایی را که از قدرت **تولیدی بالاتر و درآمد بیشتری** برخوردار باشند، پیشرفته تر می دانند.
- ۲- افزایش قدرت تولید یک کشور در گرو چیست؟
افزایش قدرت تولید کشور در گرو افزایش **قدرت تولید شرکت های تولیدی و سازوکارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار و دادوستدهای مناسب** است.
- ۳- کشورهای پیشرفته چه ویژگی هایی دارند؟
کشورهای پیشرفته معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند.
درآمدها به صورت عادلانه تری توزیع شده است.
تعداد بیکاران این کشورها نیز کم است.
رشد و پیشرفت، نقطه مقابل رکود است. یک کشور پیشرفته در برابر شوک های اقتصادی، قدرت مقاومت دارد.
از ثبات نسبی قیمت ها و بازارها برخوردار است.
می تواند در شرایط بحرانی نیازهای اولیه خودش را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کند.
معمولاً کشورهای پیشرفته از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند.
روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است.
کشورهای پیشرفته در سطح منطقه و جهان تأثیرگذارند.
در یک کلمه، کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می شوند و بقیه روی آنها حساب باز می کنند.

۴-.....و.....نقطه مقابل رکود است.

رشد و پیشرفت

۵- مهمترین مولفه های پیشرفت اقتصادی کشور چیست؟

پیشرفت اقتصادی کشور دارای مولفه هایی است که می توان مهم ترین آنها را **رشد اقتصادی، شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) و شاخص توزیع عادلانه درآمد** دانست.

«رشد اقتصادی»

۶- در چه صورت در یک جامعه رشد صورت گرفته است؟

اگر در جامعه ای **میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد**، می گوئیم در آن جامعه رشد صورت گرفته است.

۷- منظور از رشد چیست؟

اگر در جامعه ای **میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد**، می گوئیم در آن جامعه رشد صورت گرفته است. رشد به معنای **افزایش تولید** است؛ بنابراین مفهومی کمی است.

۸- رشد به معنای..... است.

افزایش تولید

۹- رشد یک مفهوم..... است.

کمی

۱۰- کشورها چگونه ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند؟

کشورها معمولاً با سرمایه گذاری بیشتر یا به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند.

۱۱- به چه دلیل گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می گیرند؟

کشورها معمولاً با سرمایه گذاری بیشتر یا به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند و این امر به **درآمد بیشتر** می انجامد. به همین دلیل گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور را با افزایش درآمد آن معادل در نظر می گیرند.

۱۲- یک منشار رشد اقتصادی..... است.

افزایش در منابع

۱۳- افزایش در منابع چگونه باعث رشد اقتصادی می شود؟ مثال بزنید.

یک منشأ رشد اقتصادی افزایش در منابع است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می یابد. سرمایه های فیزیکی کشور می تواند با سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

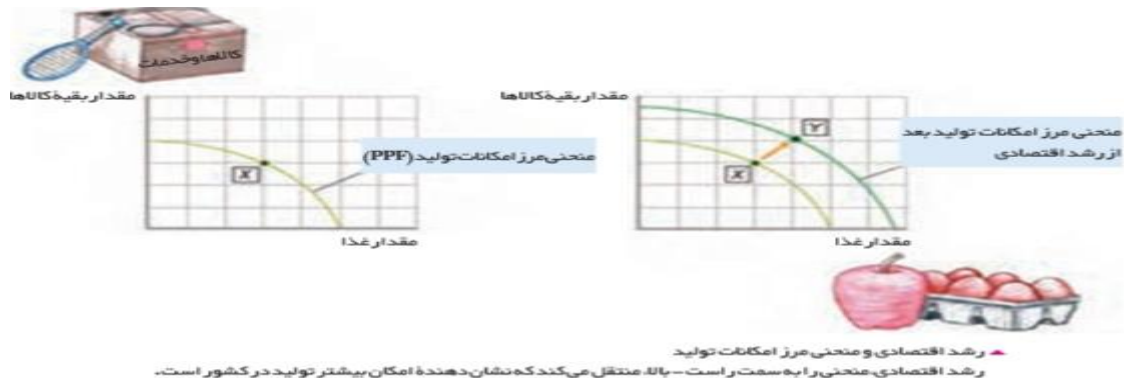


«بررسی رشد بالگوی مرز امکانات تولید»

۱۴- از **الگوی مرز امکانات تولید** می توانیم برای نشان دادن تأثیرات..... استفاده کنیم.

رشد اقتصادی

۱۵- با توجه به تصویر زیر، تأثیرات رشد اقتصادی بر منحنی مرز امکانات تولید و ظرفیت تولیدی کشور را توضیح دهید.



به نمودار سمت چپ از شکل زیر نگاه کنید. محور افقی مقدار غذای تولید شده در کشور را نشان می دهد و محور عمودی همه مقادیر از کالاهای دیگر؛ یعنی کالاها و خدمات به جز غذا را که در کشور تولید شده است، نشان می دهد. تصمیم گیری بین یک واحد «غذا» و یک واحد «از کالاهای دیگر» واقعاً دشوار است؛ اما به این فکر کنید که واحد «غذا» همه انواع غذاها و واحد «کالاهای دیگر» همه انواع کالاها و خدمات را در بر می گیرد.

فرض کنید کشوری ابتدا نقطه **X** را انتخاب می کند. روشن است که مردم مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاها می خواهند تا سلامتی و رفاه بیشتری داشته باشند. اگر با صرفه جویی، سرمایه گذاری بیشتری انجام دهند، با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی آنها توسعه می یابد و **مرز امکانات تولید به سمت بالا** منتقل می شود. نمودار سمت راست شکل بالا مرز امکانات قبلی و مرز امکانات جدید را نشان می دهد. رشد اقتصادی به کشور امکان می دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.

۱۶- چرا رشد اقتصادی یک هدف مشترک است؟

رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته های شهروندان خود بردارد. وقتی که اقتصاد رشد می کند، کشور قادر است از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند.

۱۷- برای اینکه هر کشور بتواند از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد باید چه مواردی را در نظر بگیرد؟

هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند؛ باید منابعی را که می توانست برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه ها و توسعه روش های تولید بهتر برای آینده صرف کند. همان طور که شما هم گاهی از بعضی خریدهای لذت بخش صرف نظر می کنید تا پولتان را برای انتخاب های دیگری در آینده که زندگی شما را بهتر می کند، پس انداز کنید.

«چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم؟ تولید (درآمد) ناخالص داخلی».....

۱۸- رشد به معنای..... است.

افزایش تولید

۱۹- چرا اقتصاددانان برای اندازه گیری رشد، به میزان رشد تولیدات یک کشور در طول سال می نگرند؟

چون رشد به معنای افزایش تولید است.

۲۰- منظور از تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) چیست؟

تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

۲۱- چرا درآمد داخلی را می توان معادل تولید داخلی دانست؟

با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می توان درآمد داخلی را نیز معادل تولید داخلی دانست.

۲۲- منظور از درآمد داخلی چیست؟

درآمد داخلی، مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می آید.

۲۳- درآمد سرانه چگونه به دست می آید؟

با تقسیم درآمد داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می آید.

۲۴- کلیدواژه های مهمی که در تعریف تولید داخلی وجود دارد و به فهم بهتر ما از تولید داخلی کمک می کند را نام ببرید.

« ارزش پولی»، «همه کالاها و خدمات»، «نهایی»، «درون مرزهای کشور» و «در یک سال».

۲۵- برای اندازه گیری تولید کشور، نیاز به یک..... داریم.

واحد مشترک

۲۶- واحد مشترکی که برای اندازه گیری تولیدات کشور به کار می رود چیست؟ توضیح دهید.

ارزش پولی - برای اندازه گیری تولید کشور، نیاز به یک واحد مشترک داریم که بتوانیم هر چیزی را که تولید شده است، اندازه گیری کنیم. از هر واحد اندازه گیری مثل کیلوگرم هم می شود استفاده کرد؛ اما شاید نتیجه مفید نباشد؛ چراکه قطعاً یک کیلوگرم چیپس سیب زمینی با یک کیلوگرم چیپس رایانه قابل جمع شدن نیست! در عوض وقتی همه را به ارزش پولی که از بازار به دست آمده برگردانیم و آنها را جمع کنیم، منطقی تر می شود. در این صورت صرف نظر از ابعاد و اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار داشته در محاسبه مقدار تولید لحاظ خواهد شد.

۲۷- آیا تولیدات فقط محدود به تولید کالامی باشد؟ مثال بزنید.

خیر - تولید فقط محدود به تولید کالاهایی مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی هم تولید است و باید در محاسبه ما لحاظ شود.

۲۸- چرا برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر می گیریم؟ مثال بزنید.

برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر می گیریم، نه محصولات واسطه ای را؛ چراکه کالاها و خدمات واسطه ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده اند و اگر آنها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می شویم. مثال پنبه و لباس را (در درس مالیات بر ارزش افزوده)، به یاد آورید. برای محاسبه ارزش لباس های تولید شده، لازم نیست ارزش محصولات نظیر پنبه و نخ و پارچه را نیز جداگانه محاسبه کنیم؛ بلکه با محاسبه ارزش کل لباس های تولید شده، خود به خود ارزش کالاهای واسطه ای که در آن به کار رفته است نیز محاسبه می شود.

۲۹- کدام تولیدات در تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می شود؟

تولید ناخالص داخلی، تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می شود، اندازه می گیرد؛ صرف نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. از این رو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت ها و افرادی که در ایران فعالیت می کنند، آنها را تولید کرده اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی ها باشد.

۳۰- تولید ناخالص داخلی، کالاها و خدمات نهایی را در چه محدوده زمانی در بر می گیرد؟

تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال ساخته می شود و در سال بعد فروخته می شود.

«مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شوند»

۳۱- به دلیل برخی از اقلام تولیدی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند.

دشواری های محاسباتی

۳۲- چه نوع اقلام تولیدی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند؟

اول: کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می گیرد یا خدماتی که در خیریه ها به صورت داوطلبانه ارائه می شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب اند!
دوم: خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند، به حساب آمده اند.

سوم: تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت ها تلقی می شود.

۳۳- چرا تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند؟

اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت ها تلقی می شود.

«تولید ناخالص داخلی اسمی واقعی»

۳۴- مهم ترین دلیل اندازه گیری تولید ناخالص داخلی چیست؟

مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است.

۳۵- در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی با واحد پولی، با چه مشکلی مواجه می شویم؟ مثال بزنید.

چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه گیری می شود، با یک مشکل مواجه هستیم: **قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند به طور مداوم در حال تغییر است.**

***برای مثال،** فرض کنید یک میلیون خودرو در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

پس : $1 \text{ میلیون} \times 50 = 50 \text{ هزار میلیارد تومان}$

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، برآورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت ها تغییر کرده است!

۳۶- اقتصاددانان برای جلوگیری از اشتباه ناشی از افزایش قیمت ها در محاسبه متغیرهای اقتصادی چه راه حلی

دارند؟

اقتصاددانان برای حل این مشکل راه حلی دارند؛ قیمت های محاسباتی باید در سالی که به آن **سال پایه** گفته می شود، ثابت فرض شوند.

«محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن»

۳۷- تولید ناخالص داخلی اسمی چگونه محاسبه می شود؟

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی اسمی، **مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می کنیم.**

۳۸- برای بررسی میزان رشد تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه از رابطه زیر استفاده کنیم؟

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$

۳۹- با توجه به اطلاعات جدول زیر، تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت های زیر به صورت **اسمی** و **واقعی** محاسبه کنید.

سال	پیترزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

برای محاسبه (GDP) اسمی: تولیدات هر سال را در قیمت های همان سال محاسبه می کنیم و بعد نرخ رشد آن را نسبت به سال قبل حساب می کنیم:

افزایش	محاسبه GDP اسمی در هر سال:
٪۳۷/۵	$1395: 10000 \times 400 + 2000 \times 1000 = 6000000$ تومان $1396: 11000 \times 500 + 2500 \times 11000 = 8250000$ تومان $1397: 12000 \times 600 + 3000 \times 12000 = 10800000$ تومان
٪۳۰/۹	

$$\text{نرخ رشد تولیدات اسمی سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵} = \frac{8250000 - 6000000}{6000000} \times 100 = 37.5\%$$

$$\text{نرخ رشد تولیدات اسمی سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶} = \frac{10800000 - 8250000}{8250000} \times 100 = 30.9\%$$

برای محاسبه (GDP) واقعی: تولیدات هر سال را در قیمت های سال پایه یعنی سال ۹۵ محاسبه می کنیم و بعد نرخ رشد آن را نسبت به سال قبل حساب می کنیم:

افزایش	محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه:
٪۲۰	$1395: 10000 \times 400 + 2000 \times 1000 = 6000000$ تومان $1396: 11000 \times 500 + 2000 \times 10000 = 7200000$ تومان $1397: 12000 \times 600 + 2000 \times 10000 = 8400000$ تومان
٪۱۶/۷	

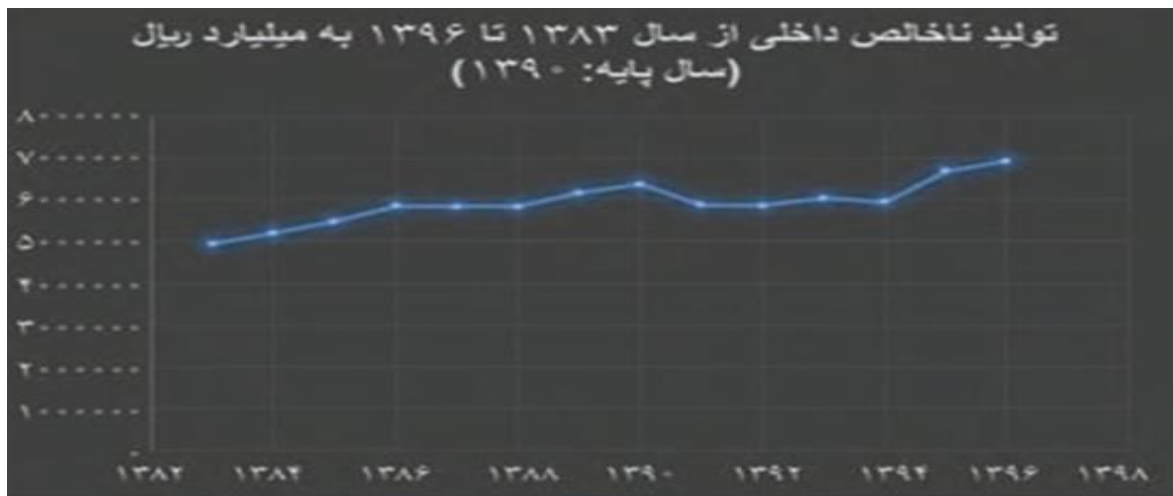
$$\text{نرخ رشد تولیدات واقعی سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵} = \frac{7200000 - 6000000}{6000000} \times 100 = 20\%$$

$$\text{نرخ رشد تولیدات واقعی سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶} = \frac{8400000 - 7200000}{7200000} \times 100 = 16.7\%$$

۴۰- معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن..... استفاده می شود.

رشد اقتصادی کشورها

نمودار زیر تولید ناخالص داخلی کشور ما را از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد.



منبع: داده‌های بانک مرکزی

«شاخص های دیگر اندازه گیری پیشرفت اقتصادی»

۴۱- آیا شاخص های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی می تواند نشان دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد؟ مثال بزنید. خیر-اقتصاددانان به ما می گویند که شاخص های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی تواند نشان دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد. پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد. فرض کنید کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است. اما آیا می توان نتیجه گرفت که این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است؟ اقتصاددانان معمولاً در این مورد از **مثال کیک** استفاده می کنند. آیا بزرگ تر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟ بسیاری از کشورهایی که دارای رشد درآمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری درآمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از درآمد کمتری برخوردارند.

«شاخص دهک ها»

۴۲- یکی از شاخص های سنجش وضعیت توزیع درآمد، چیست؟

دهک

۴۳- شاخص «دهک» و نحوه محاسبه آن را توضیح دهید.

یکی از شاخص های سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص «دهک» هاست. از شاخص دهک ها در برخی گزارش های اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می شود. برای محاسبه این شاخص، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می کنند. در طبقه بندی این ده گروه، سطح درآمد از کمترین به بیشترین مدنظر قرار می گیرد. به عبارت دیگر، گروه اول، که ده درصد اولیه جمعیت را تشکیل می دهند، کمترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر بیشترین درصد درآمد ملی را دارند. آمارهای مربوط به سهم این دهک ها در جامعه، چگونگی جدول وضعیت توزیع درآمد در آنشان می دهد.

جدول زیر بیانگر چگونگی توزیع درآمد ایران در سال ۱۳۹۱ است. سهم دهک دهم از درآمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است.

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۳ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

منبع: مرکز آمار ایران

«وضعیت توزیع درآمد»

۴۴- شاخص توزیع درآمد چگونه محاسبه می شود؟

با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می رود.

۴۵- در چه صورت توزیع درآمد در یک جامعه نامناسب تر است؟

با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می رود. هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است.

۴۶- به چه دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه ای را محاسبه می کنند؟

گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه ای را محاسبه می کنند. در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است.

۴۷- با توجه به نمودار زیر در سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ و ۱۳۹۶ درآمد در صد ثروتمند جامعه چند برابر درآمد در صد فقیر جامعه بوده است؟

نمودار زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰، ده درصد ثروتمندان، چهارده برابر ده درصد فقرا درآمد داشته اند. این رقم برای سال ۱۳۹۰ به ۱۲ برابر و در سال ۱۳۹۶، مجدداً به ۱۴ برابر رسیده است.



«شاخص توسعه انسانی»

۴۸- یکی از شاخص های رایج جهانی برای اندازه گیری پیشرفت های اقتصادی کشورهای گوناگون، چیست؟

شاخص های توسعه انسانی

۴۹- مؤلفه های تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی (HDI) چیست؟

مؤلفه هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است.

علاوه بر این، مؤلفه هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده های محیط زیست و گازهای گلخانه ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش های توسعه انسانی منعکس می شود.

۵۰- چند مورد از شاخص های پایداری محیطی را نام ببرید.

انرژی های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده های محیط زیست و گازهای گلخانه ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی

۵۱- در چه صورت تصویر کامل تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می آوریم؟

اگر معیارهای اندازه گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می آوریم.

۵۲- کدام شاخص تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می دهد؟

شاخص توسعه انسانی (HDI)

۵۳- چرا شاخص توسعه انسانی (HDI) تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می دهد؟

چون شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از شاخص هایی نظیر تولید ناخالص داخلی (رشد) و امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص های مربوط به بهداشت (توسعه) است. از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می دهد.

۵۴- در گزارش توسعه انسانی ایران در چه رتبه ای قرار دارد؟

در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزو کشورهای با توسعه یافتگی بالا به شمار می رود.

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال های تحصیل مورد انتظار میانگین سال های تحصیل درآمد سرانه ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه HDI	۲۰۱۸	سال	سال	سال	دولار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بسیار بالا					
۱	۰٫۹۵۴	۸۴٫۸	۱۸٫۱	۱۴٫۶	۶۸٫۰۵۶
۲	۰٫۹۴۶	۸۳٫۶	۱۶٫۲	۱۳٫۴	۵۹٫۳۷۵
۳	۰٫۹۳۲	۸۲٫۱	۱۸٫۸	۱۴٫۵	۵۵٫۶۶۰
۴	۰٫۹۱۳	۸۱٫۲	۱۷٫۱	۱۴٫۱	۴۶٫۱۴۶
۵	۰٫۹۱۳	۸۴٫۷	۱۶٫۵	۱۴٫۰	۶۰٫۴۲۱

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال های تحصیل مورد انتظار میانگین سال های تحصیل درآمد سرانه ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه HDI	۲۰۱۸	سال	سال	سال	دولار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بالا					
۶۴	۰٫۷۶۶	۷۵٫۸	۱۴٫۸	۱۱٫۲	۱۵٫۴۱۸
۶۳	۰٫۷۶۶	۷۳٫۴	۱۴٫۰	۱۱٫۰	۲۸٫۴۹۷
۶۵	۰٫۷۶۷	۷۶٫۵	۱۴٫۷	۱۰٫۰	۱۸٫۱۶۶
۶۶	۰٫۷۶۶	۷۴٫۹	۱۵٫۰	۰٫۹۴	۲۴٫۷۴۴

«الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی»

***نکته:** باینکه شاخص های توسعه انسانی در کنار شاخص های رشد تولید، تصویر مناسب تری از پیشرفت یک کشور ارائه می کند؛ اما این تصویر از پیشرفت کامل نیست.

۵۵- چرا شاخص توسعه انسانی باینکه تصویر مناسب تری از پیشرفت یک کشور ارائه می کند ولی این تصویر از پیشرفت کشور کامل نیست؟ (در شاخص توسعه انسانی چه مواردی مورد توجه قرار نمی گیرد تا تصویر کامل تر از پیشرفت کشور ارائه دهد؟)

چون در شاخص توسعه انسانی، شاخص های دیگری مانند مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط زیستی و پیشرفت های فرهنگی و معنوی، تفاوت های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها، ارزش های اجتماعی - اقتصادی متفاوت جوامع بایکدیگر، تاثیر تنوع ارزش ها و آداب و رسوم در شاخص های پیشرفت یک کشور، تفاوت اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی در جوامع مختلف، نگاه متفاوت جوامع به زندگی، مورد توجه نیست.

۵۶- چه مسئله ای باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند؟

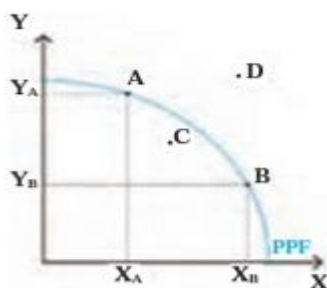
برخی از کشورها و سازمان های بین المللی در طول سده های گذشته، از شاخص های توسعه و همچنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده اند، برای **تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده اند**. در کشور ما هر چند تلاش هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است؛ اما متأسفانه همچنان نهادهای سرمایه داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند. این نگرانی ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند.

۵۷- الگوی بومی که اندیشمندان کشورمان برای پیشرفت به کار می برند چیست و چه ویژگی هایی دارد؟

الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما قرار دهد. الگوی **پیشرفت اسلامی - ایرانی**، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

فعالیت فردی در کلاس صفحه ۱۱۹

در درس چهارم با مفهوم کارایی آشنا شدیم و در این درس درباره رشد سخن گفتیم. تفاوت بین دستیابی به کارایی و رشد اقتصادی را با کمک نمودار توضیح دهید.



در منحنی مرز امکانات تولید درباره مصلحت و عدالت صحبت نمی کنیم تمام نقاط روی منحنی امکانات تولید، بیانگر وضعیت کارآمد تولید است و فقط درباره کارایی صحبت می کند. **رشد اقتصادی** با کمک منابع فیزیکی بیشتر و پایه وسیله بالا رفتن کارایی منابع موجود و با ترکیب آن دوجه دست می آید نقاط A و B نقاط کارآمد را منعکس می کنند. نقطه C نقطه زیر منحنی یعنی کارایی کمتر، نقطه D انعکاس رشد اقتصادی به صورت انتقال منحنی مرز امکانات تولید به سمت راست است. انتقال منحنی به معنی افزایش تولید است.

فعالیت خارج از کلاس صفحه ۱۲۰

تولید خالص و ناخالص!

شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟ در این باره تحقیق کنید.



بخشی از سرمایه های هر کشور از قبیل ماشین آلات، ساختمان ها، راه ها و نظایر آن، که در فعالیت های تولیدی مورد استفاده قرار می گیرد، به مرور زمان فرسوده می شود و از بین می رود؛ بنابراین، باید بخشی از تولیدات کشور را صرف جبران این فرسودگی، یعنی تعمیر یا جایگزینی آنها کنیم؛ به بیان دیگر از کل تولید جامعه در طول یک سال باید قسمتی را به هزینه های جایگزینی سرمایه های فرسوده شده اختصاص دهیم؛ به عنوان مثال اگر به طور متوسط عمر مفید سرمایه های فیزیکی کشور ۲۰ سال باشد، سالانه می باید معادل ۵٪ ارزش آن سرمایه را به عنوان استهلاک در نظر بگیریم و از تولید کم کنیم.

بدین ترتیب، اگر کل تولیدات جامعه را اندازه گیری کرده باشیم، آن را «تولید ناخالص» می نامیم؛ اما اگر هزینه های استهلاک را از تولیدات ناخالص کسر کنیم، آن را «تولید خالص» می نامیم؛ به عبارت دیگر:

$$\text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص} = \text{تولید خالص}$$

فعالیت فردی در کلاس صفحه ۱۲۴

در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰/۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول صفحه قبل (۱۲۲) است، سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید.

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

۳ درصد	سهم دهک اول
۴ درصد	سهم دهک دوم
۵ درصد	سهم دهک سوم
۶ درصد	سهم دهک چهارم
۷ درصد	سهم دهک پنجم
۸ درصد	سهم دهک ششم
۱۰ درصد	سهم دهک هفتم
۱۲ درصد	سهم دهک هشتم
۱۶ درصد	سهم دهک نهم
۲۹ درصد	سهم دهک دهم
۱۰۰ درصد درآمد ملی	۱۰۰ درصد جمعیت کشور

$$1500 = 50/000 \times \frac{3}{100} \text{ سهم دهک اول}$$

$$2000 = 50/000 \times \frac{4}{100} \text{ سهم دهک دوم}$$

$$2500 = 50/000 \times \frac{5}{100} \text{ سهم دهک سوم}$$

$$3000 = 50/000 \times \frac{6}{100} \text{ سهم دهک چهارم}$$

$$3500 = 50/000 \times \frac{7}{100} \text{ سهم دهک پنجم}$$

$$4000 = 50/000 \times \frac{8}{100} \text{ سهم دهک ششم}$$

$$5000 = 50/000 \times \frac{10}{100} \text{ سهم دهک هفتم}$$

$$6000 = 50/000 \times \frac{12}{100} \text{ سهم دهک هشتم}$$

$$8000 = 50/000 \times \frac{16}{100} \text{ سهم دهک نهم}$$

$$14500 = 50/000 \times \frac{29}{100} \text{ سهم دهک دهم}$$

برای تفکر و تمرین صفحه ۱۲۷

۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سؤالات زیر پاسخ دهید:

تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟

$$\text{تولید ناخالص داخلی اسمی} = ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ + ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

اگر سهم هر کدام از شرکت ها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.

$$\text{سهم شرکت اول} = \frac{۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۶۶/۶۷$$

$$\text{سهم شرکت دوم} = \frac{۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۳۳/۳۳$$

$$\text{ارزش تولیدات سال قبل} \rightarrow \frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{(۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ - X)}{X} = X$$

$$۱۰X = ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۱۰۰X$$

$$۱۱۰X = ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

$$X = \frac{۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰}{۱۱۰} = ۱/۳۶۳/۶۳۶/۳۶۳/۶۳۶۳ \quad \text{تولیدات سال گذشته}$$

سهم شرکت اول و دوم را در تولیدات سال گذشته محاسبه می کنیم.

$$\text{ارزش اسمی تولیدات شرکت اول نسبت به سال قبل} \rightarrow \frac{۱/۳۶۳/۶۳۶/۳۶۳/۶۳۶۳ \times ۶۶/۶۷}{۱۰۰} = ۹۰۹/۱۳۶/۳۶۳$$

$$\text{ارزش اسمی تولیدات شرکت دوم نسبت به سال قبل} \rightarrow \frac{۱/۳۶۳/۶۳۶/۳۶۳/۶۳۶۳ \times ۳۳/۳۳}{۱۰۰} = ۴۵۴/۵۰۰/۰۰۰$$

۲- کدام یک از موارد زیر صرفاً نشان دهنده رشد اقتصادی است و کدام یک، نشان دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکت ها «رشد»

نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم «پیشرفت»

افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده «رشد»

افزایش میانگین سال های تحصیلی کارمندان شرکت ها «پیشرفت»

تحلیل کنید..... صفحه ۱۲۷.....

چه تفاوتی بین رشد و توسعه و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص هایی وجود دارد؟
رشد صرفاً به معنای افزایش تولید است و یک مفهوم کمی است. و شاخص های آن، افزایش ظرفیت های تولیدی و افزایش درآمدی باشد.

«**توسعه**» در کنار افزایش تولید بر تغییرات و تحولات کیفی دیگری نیز دلالت دارد و آن را می توان مفهومی کمی - کیفی دانست. مؤلفه هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است.

شاخص های توسعه، رشد اقتصادی و شاخص توسعه انسانی (HDI) می باشد.

اصطلاح «**پیشرفت**» انتخاب بسیاری از نخبگان و اندیشمندان دنیا از جمله کشور ما است. در مفهوم پیشرفت، الگوی واحدی برای همه کشورها توصیه نمی شود. موقعیت های گوناگون مثل وضعیت تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، طبیعی، انسانی، دینی و در نهایت زمانی و مکانی، شاخص های پیشرفت را تعیین می کند. بنابراین امکان تنوع در الگوها و قبل از آن شاخص ها را پیدا می کند.

از نظر شما چه رابطه ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟
 پیشرفت اقتصادی یک کسب و کار به معنای تولید با کیفیت محصول و قیمت مناسب آن است که می تواند منجر به افزایش تقاضای مصرف کنندگان شود که به دنبال آن اشتغال نیروی کار نیز افزایش می یابد. در نتیجه درآمد داخلی افزایش و سطح رفاه جامعه نیز بالایی رود. بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، عدالت اقتصادی و... منجر به پیشرفت اقتصادی خواهد شد.

«نمونه سوالات کنکوری»**تولید ناخالص داخلی - تولید داخلی - درآمد سرانه - استهلاك**

۱- با توجه به رقم تولیداتی که در طول یکسال توسط یک جامعه بدست آمده است تولید ناخالص داخلی - خالص داخلی - تولید داخلی سرانه را بدست آورید. (کنکور ۸۵)

جمعیت کشور ۵۰ میلیون نفر می باشد.

مواد غذایی ۵۰۰ تن از قرار هر تن ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ماشین آلات ۵۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

پوشاک ۱۵۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۵۰۰/۰۰۰ ریال

خدمات $\frac{۲}{۳}$ ارزش پوشاک

هزینه استهلاك $\frac{۲}{۳۵}$ ارزش ماشین آلات

* اولین قدم در حل این مسئله اینست که واحد موارد خواسته شده را بررسی کنیم اگر واحد یکسان بود به حل مسئله اقدام شود اگر یکسان نبود باید واحد را یکسان کنیم و بعد به حل مسئله اقدام کنیم. در این مسئله واحدهای خواسته شده یکسان است.

$$\text{مواد غذایی} = 500 \times 30 / 1000 / 1000 = 15 / 1000 / 1000 / 1000$$

$$\text{ماشین آلات} = 5000 \times 50 / 1000 / 1000 = 250 / 1000 / 1000 / 1000$$

$$\text{پوشاک} = 15 / 1000 \times 500 / 1000 = 7 / 500 / 1000 / 1000$$

$$\text{خدمات} = \frac{2}{3} \times 7 / 500 / 1000 / 1000 = 5 / 1000 / 1000 / 1000$$

$$\text{هزینه استهلاک} = \frac{2}{25} \times 250 / 1000 / 1000 / 1000 = 20 / 1000 / 1000 / 1000$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = 15 / 1000 / 1000 / 1000 + 250 / 1000 / 1000 / 1000 + 7500 / 1000 / 1000 + 5000 / 1000 / 1000 = 277 / 500 / 1000 / 1000$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = 277 / 500 / 1000 / 1000 - 20 / 1000 / 1000 / 1000 = 257 / 500 / 1000 / 1000$$

$$\text{سهم متوسط هر فرد از میزان درآمد یا تولید کل جامعه} = \frac{257 / 500 / 1000 / 1000}{50 / 1000 / 1000} = 5140$$

* برای محاسبه تولید سرانه، کل درآمد یا تولید جامعه را بر جمعیت کشور تقسیم می کنیم.

۲- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر: (کنکور ۹۹)

الف) استهلاک سرمایه ثابت

ب) تولید ناخالص داخلی

ج) تولید خالص داخلی

د) تولید خالص داخلی سرانه در این جامعه چقدر است؟

۱	استهلاک سرمایه ثابت	$\frac{1}{3}$ تولید ناخالص داخلی G.D.P
۲	تولید ۳۰ دستگاه ماشین آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیون ریال
۳	ارزش مواد غذایی	۶۰٪ ارزش تولیدات در بخش صنعت
۴	ارزش کالاهای واسطه ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیون ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسیله بخش خصوصی	۵۰٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۶	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

ارزش کالاهای واسطه ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی در این سوال محاسبه نمی شود چون ارزش این کالاها در بطن کالاهای نهایی می باشد.

**** بخش صنعت منظور همان ماشین آلات نساجی می باشد. ****

$$\text{ارزش مواد غذایی} = \frac{480 \times 60}{100} = 288$$

$$\text{ارزش خدمات} = 288 + 480 = 768 \quad \frac{768 \times 50}{100} = 384$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی (ب)} = 1152 = 384 + 288 + 480$$

$$\text{استهلاک سرمایه ثابت (الف)} = \frac{1152}{3} = 384$$

$$\text{تولید خالص داخلی (ج)} = 1152 - 384 = 768$$

$$\text{تولید خالص داخلی (د)} = \frac{768}{20} = 38.4$$

۳- در یک جامعه یک دستگاه کالای سرمایه ای را به قیمت ۸۵ میلیارد ریال خریداری کرده ایم و عمر مفید آن ۵ سال است. (کنکور ۹۵)

الف: چنانچه در دو سال آخر عمر مفید، این کالای سرمایه ای ۷٪ افزایش بهاداشته باشد مجموع هزینه ی استهلاک دو سال آخر چه مقدار خواهد بود؟

ب: قیمت جدید این کالای سرمایه ای کدام است؟

ج: هر سال چه مقداری به عنوان هزینه ی استهلاک باید کنار بگذاریم؟

$$\text{الف)} \frac{85 \times 7}{100} = 5.95$$

$$\text{آخر دو سال استهلاک} = 85 + 5.95 = 90.95$$

$$\frac{90.95}{5} = 18.19$$

$$18.19 \times 2 = 36.38$$

ب) قیمت جدید کالا ۹۰/۹۵

$$\text{ج)} \frac{85}{5} = 17 \text{ هزینه استهلاک سالانه}$$

۴- باتوجه به اطلاعات جدول اگر مجموع ارزش اقلام ماشین آلات و مواد غذایی و پوشاک در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد. (کنکور ۹۵-۹۸)

الف) تولید خالص ملی :

ب: تولید خالص داخلی سرانه:

ج: تولید ناخالص داخلی:

۳۵ میلیون نفر	جمعیت کل کشور	A
۴۴ میلیارد ریال	تولید خارجیان مقیم کشور	B
$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	هزینه استهلاک	C
$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	خدمات ارائه شده	D
۴۵ میلیارد ریال	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	E

$$30 = \frac{2}{3} \times 45 = \text{هزینه استهلاک}$$

$$\text{خدمات} = \frac{1}{4} \times 44 = 11$$

$$\text{الف) تولید خالص ملی} = 150 + 11 + 45 = 206$$

$$206 - 30 = 176$$

$$\text{ب) تولید خالص داخلی سرانه} = 150 + 11 + 44 = 205$$

$$205 - 30 = 175$$

$$\frac{175}{35} = 5$$

$$\text{ج) تولید ناخالص داخلی} = 150 + 11 + 44 = 205$$

۵- با توجه به اطلاعات جدول چنانچه مجموع ارزش اقلام پوشاک، ماشین آلات و مواد غذایی در یک جامعه ۱۶۵ میلیارد ریال باشد. (کنکور ۹۴)

الف: تولید خالص ملی:

ب: تولید ناخالص داخلی:

ج: تولید خالص ملی سرانه:

A	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
B	جمعیت کل کشور	۱۱۰ میلیون نفر
C	هزینه استهلاک	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
D	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۸۵ میلیارد ریال
E	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

$$\text{استهلاک} = \frac{1}{5} \times 85 = 17$$

$$20 \times \frac{2}{3} \times 30 = 20$$

$$\text{الف) تولید خالص ملی} = 165 + 20 + 85 = 270$$

$$270 - 17 = 253$$

$$\text{ب) تولید ناخالص داخلی} = 165 + 20 + 30 = 215$$

$$\text{ج) سهم متوسط هر فرد از میزان درآمدی تولید کل جامعه} = \frac{253}{110} = \frac{2}{3}$$

درآمد ملی - درآمد سرانه - مفهوم سرانه

۶- جدول زیر، بیانگر ارقام درآمدی است که در طول یکسال نصیب یک جامعه فرضی شده است: چنانچه جمعیت کل این جامعه ۵۰ میلیون نفر باشد. در این صورت: **(کنکور ۹۹)**

الف) درآمد ملی این جامعه، چقدر است؟

ب) درآمد سرانه آن کدام است؟

ج) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۹۸۹۷ میلیارد ریال
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف های: ۱ و ۶
۳	سود شرکت ها و موسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۴	دستمزدها	۶۴۴۲ میلیارد ریال
۵	درآمد حقوق بگیران	$\frac{1}{5}$ مجموع درآمد ردیف های: ۴ و ۶
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۸۸۵۶ میلیارد ریال

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{1}{3} \times (9897 + 8856 = 18753) = 6251$$

$$\text{سود شرکت ها و موسسات} = \frac{2}{3} \times 9897 = 6598$$

$$\text{درآمد حقوق بگیران} = \frac{1}{5} \times (6442 + 8856 = 15298) = 3059.6$$

$$\text{درآمد ملی (الف)} = 9897 + 6251 + 6598 + 6442 + 3059.6 + 8856 = 41103.6$$

$$\text{درآمد سرانه (ب)} = \frac{41103.6}{50} = 822.072$$

سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمدهای تولید جامعه (ج)

۷- جدول زیر، دربردارنده ی ارقام مختلف درآمدی است که در طول یکسال نصیب یک جامعه ی فرضی شده است با توجه به مندرجات این جدول: **(کنکور ۹۸)**

الف) درآمد ملی این جامعه، چقدر است؟

ب) معنای مفهوم سرانه چیست؟

ج) درآمد سرانه این جامعه، کدام است؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۴۹۳ میلیارد ریال
۲	درآمد حقوق بگیران	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمدردیف های او ۷
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمدردیف های او ۵
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود شرکت ها و موسسات	۴۴۷ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{2}{3}$ سود شرکت ها و موسسات
۷	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۹۳ میلیارد ریال

$$\text{درآمد حقوق بگیران} = \frac{1}{3} \times (493 + 393 = 886) = 295/33$$

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{2}{5} \times (493 + 447 = 940) = 376$$

$$\text{دستمزدها} = \frac{2}{3} \times 447 = 298$$

$$\text{درآمد ملی (الف)} = 493 + 295/33 + 376 + 447 + 298 + 393 = 2302/33$$

سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمدها تولید جامعه (ب)

$$\text{درآمد سرانه (ج)} = \frac{2302/33}{45} = 51/16$$

محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت (سال پایه)

۸- چنانچه در یک جامعه فرضی میزان تولید کل در طی سه سال متوالی به ترتیب سال اول: ۴۰۰۰ سال دوم: ۴۸۴۰ سال سوم: ۵۹۶۰ میلیارد ریال باشد. با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید کل جامعه در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت های سال پایه به ترتیب ۴۰۰۰ - ۴۲۳۰ و ۴۸۶۰ تغییر می یابد. بر اساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ: **(کنکور ۹۹)**

الف) افزایش قیمت ها در سال دوم و سال سوم کدام است؟

ب) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ج) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

افزایش در قیمت سال دوم $610 = 4230 - 4840$ (الف)

افزایش در قیمت سال سوم $1100 = 5960 - 4860$

تورم در سال دوم 610 (ب)

تورم در سال سوم 1100

افزایش تولید سال دوم $۲۳۰ = ۴۰۰۰ - ۴۲۳۰$ (ج)

افزایش تولید سال سوم $۸۶۰ = ۴۰۰۰ - ۴۸۶۰$

۹- با توجه به اطلاعات داده شده تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲ و تولید کل به قیمت ثابت (سال پایه) در سال ۹۲ چیست؟ سال ۹۰ سال پایه می باشد. (کنکور ۹۴)

الف: تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲

ب: تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲

سال ۹۲		سال ۹۰		کالا
مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
۷۵	۴۰۰	۱۵۰	۳۰۰	A
۷۰۰	۱۲۰	۴۰۰	۶۰	B

$$\text{الف) } (۷۵ \times ۴۰۰) + (۷۰۰ \times ۱۲۰) = ۱۱۴۰۰۰$$

$$\text{ب) } (۷۵ \times ۳۰۰) + (۷۰۰ \times ۶۰) = ۶۴۵۰۰$$

۱۰- میزان تولید کل کشوری در سه سال متوالی به ترتیب ۶۰۰۰ - ۶۶۰۰ و ۷۵۰۰ میلیارد ریال می باشد. اگر سال اول را سال پایه انتخاب کنیم تولیدات این کشور بر حسب قیمت های سال پایه به ترتیب ۶۰۰۰ - ۶۴۲۰ و ۶۸۴۰ تغییر می یابد. (کنکور ۸۷)

الف: افزایش تولید در سال سوم:

$$۶۸۴۰ - ۶۰۰۰ = ۸۴۰$$

ب: افزایش قیمت (تورم) در سال سوم:

$$۷۵۰۰ - ۶۸۴۰ = ۶۶۰$$

شاخص سنجش توزیع درآمد (دهک)

۱۱- در کشوری نسبت سهم دهک دهم به دهک اول جامعه از درآمد ملی در سالهای ۸۱-۸۲-۸۳ و ۸۴ به ترتیب برابر $۷/۵ - ۶ - ۵/۵$ و ۵ می باشد وضعیت توزیع درآمد این کشور در چه سالی مناسب تر است؟ (کنکور ۸۵)

* هر چه عدد کوچکتر باشد توزیع درآمد عادلانه تر است چون سال ۸۴ عددش از بقیه کوچکتر است پس توزیع درآمد در این سال از بقیه ی سالها بهتر می باشد.

۱۲- مندرجات جدول زیر، بیانگر وضعیت توزیع درآمد در کشور A در سال ۱۹۸۰ میلادی براساس شاخص دهک ها است. (کنکور ۹۹)

چنانچه:

تفاوت سهام اول و چهارم: ۴ درصد

تفاوت سهام دهک دوم و هفتم: ۵/۵ درصد

تفاوت سهام دهک پنجم و نهم: ۷ درصد

تفاوت سهام ششم و دهم: ۱۵ درصد باشد در این صورت:

سهام دهک اول و دهک دوم و سهام دهک نهم و سهام دهک دهم به ترتیب چند درصد است؟

جدول وضعیت توزیع درآمد در کشور A در سال ۱۹۸۰ میلادی	
سهم هر گروه به درصد	گروه های درآمدی
؟	سهام دهک اول
؟	سهام دهک دوم
۶ درصد	سهام دهک سوم
۷ درصد	سهام دهک چهارم
۸ درصد	سهام دهک پنجم
۹ درصد	سهام دهک ششم
۱۰/۵ درصد	سهام دهک هفتم
۱۲/۵ درصد	سهام دهک هشتم
؟	سهام دهک نهم
؟	سهام دهک دهم
صدد درصد درآمد ملی	صدد درصد جمعیت کشور

$$۳ = ۷ - ۴ \leftarrow \text{سهام دهک اول}$$

$$۵ = ۱۰/۵ - ۵/۵ \leftarrow \text{سهام دهک دوم}$$

$$۱۵ = ۸ + ۷ \leftarrow \text{سهام دهک نهم}$$

$$۲۴ = ۹ + ۱۵ \leftarrow \text{سهام دهک نهم}$$

۱۳- براساس اطلاعات زیر سهام دهک های مختلف را حساب کنید: چنانچه تفاوت سهام دهک اول الی

دهک چهارم ۱ درصد تفاوت سهام دهک ششم و هشتم ۳ درصد - تفاوت سهام دهک هشتم و دهم ۱۱

درصد باشد، سهام دهک دوم - چهارم - هشتم و دهم را حساب کنید. (کنکور ۸۸)

ایران در سال ۷۷	جدول توزیع درآمد
۴ درصد	سهام دهک اول
؟	سهام دهک دوم
۶ درصد	سهام دهک سوم
؟	سهام دهک چهارم
۹ درصد	سهام دهک پنجم
۹ درصد	سهام دهک ششم
۱۰/۵ درصد	سهام دهک هفتم
؟	سهام دهک هشتم
۱۴/۵ درصد	سهام دهک نهم
؟	سهام دهک دهم
۱۰۰ درصد درآمد ملی	۱۰۰ درصد جمعیت کشور

$$۵ = ۴ + ۱ \leftarrow \text{سهام دهک دوم}$$

$$۷ = ۶ + ۱ \leftarrow \text{سهام دهک چهارم}$$

$$۱۲ = ۹ + ۳ \leftarrow \text{سهام دهک هشتم}$$

$$۲۳ = ۱۲ + ۱۱ \leftarrow \text{سهام دهک نهم}$$

دهک دوم ۵ درصد - دهک چهارم ۷ درصد، دهک هشتم ۱۲ درصد - دهک دهم ۲۳ درصد

۱۴- جدول زیر وضعیت توزیع درآمد مربوط به کشوری را در طول یکسال نشان می دهد با توجه به آن:

(کنکور ۹۷)

الف: سهام دهک سوم، ششم و هفتم به ترتیب کدام است؟

ب: سهام بیست درصد بالا و سهام بیست درصد پایین هر کدام به ترتیب چقدر است؟

ج: عدد مربوط به شاخص وضعیت توزیع درآمد کدام

است؟

وضعیت توزیع درآمد در یک کشور	
سهم هر گروه به درصد	گروه های درآمدی
۲	سهام دهک اول
۳	سهام دهک دوم
؟	سهام دهک سوم
۷/۵	سهام دهک چهارم
۱۰	سهام دهک پنجم
؟	سهام دهک ششم
؟	سهام دهک هفتم
۱۲	سهام دهک هشتم
۱۶	سهام دهک نهم
۲۲	سهام دهک دهم

(۱) الف: چهار - یازده و نیم - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۱

(۲) الف: پنج - ده و نیم - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۱

(۳) الف: شش - ده - یازده و نیم (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۰/۵

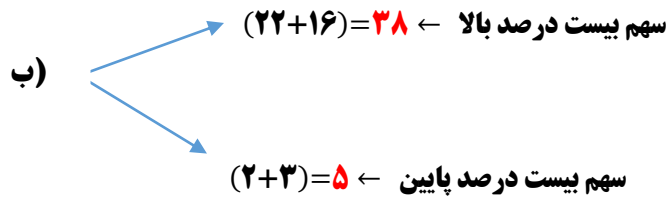
(۴) الف: سه و نیم - دوازده - دوازده (ب) ۵ - ۳۸ (ج) ۱۰/۵

* نکته: دهک ها همه از لحاظ جمعیتی با هم مساوی هستند و مجموع آنها باید ۱۰۰ درصد جمعیت کشور باشد سهم دهک ها

از دهک اول به سمت دهک دهم هر چه به جلو برویم بیشتر می شود یا مساوی هست نسبت به دهک قبل از خودش، ولی هیچ

وقت دهک بعدی از دهک قبلی سهمش کمتر نیست.

۱۲ - ۱۰/۵ - ۵ ← قسمت الف با توجه به گزینه ها مشخص می شود. (الف)



ج) $\frac{22}{2} = 11$ → شاخص وضعیت توزیع درآمد یعنی $\frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$

۱۵- جدول زیر گویای وضعیت توزیع درآمد کشور B در سال ۱۹۸۰ میلادی است، با توجه به دو فرمول: نسبت 20 درصد بالا به 20 درصد پایین و نسبت 10 درصد بالا به 40 درصد پایین کدام شاخص: (کنکور ۹۸)

الف) توزیع درآمد در این کشور مناسب تر نشان می دهد؟

ب) مبین نامناسب تر بودن توزیع درآمد در این کشور است؟

ج) شاخصی که برای مقایسه ی وضعیت توزیع درآمد مورد استفاده قرار می گیرد، چگونه محاسبه می شود؟

۱	سهم دهک اول	۳ درصد
۲	سهم دهک دوم	۵ درصد
۳	سهم دهک سوم	۷ درصد
۴	سهم دهک چهارم	۹ درصد
۵	سهم دهک نهم	۱۸ درصد
۶	سهم دهک دهم	۲۱ درصد

نسبت 10 درصد بالا به 40 درصد پایین (الف) $\frac{21}{(3+5+7+9)} = 0.875$

نسبت 20 درصد بالا به 20 درصد پایین (ب) $\frac{39}{8} = 4.875$

ج) $\frac{21}{3} = 7$ → شاخص وضعیت توزیع درآمد یعنی $\frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$